

«گالری گلستان» به عنوان نگارخانه‌ای

در تهران، از مشهورترین فضاهای

نمایش آثار تجسمی در ایران بود که از

۱۳۶۷ تا ۱۴۰۲ به مدت ۳۵ سال در شمال

تهران فعالیت می کرد. خانم گلستان

از روزی که تصمیم گرفتید گالری را

افتتاح کنید، بگویید، گالری گلستان با

نمایشگاه کدام هنرمندان آغاز به کار کرد؟

در سال ۶۰ گاراژ خانه را که حدود ۶۰ متر

بود با اجازه شهرداری به کتابفروشی تبدیل

کردم، تا سال ۶۶ این کتابفروشی «کتاب

ایران» برقرار بود، کارش هم گرفته بود، اول

اهالی محل آمدند و بعد از جاهای دیگر. در

آن دوران مردم خیلی کتاب می خریدند،

نظارت‌های ارشاد هنوز خیلی جدی نشده

بود و کتاب راحت و بدون ممیزی منتشر

می شد. در آن زمان کتاب‌های جلد سفید

داشتیم، از کارم خیلی راضی بودم و بعد

هم نویسندگان معروف مثل احمد محمود،

محمود دولت‌آبادی و شاملو ... به من سر

می زدند. اما یواش یواش شروع به جمع‌آوری

بعضی از کتاب‌ها کردند و ما به درنسر

افتادیم و تصمیم گرفتیم آنجا را تعطیل کنیم

و در نهایت سال ۶۷ کتابفروشی را به گالری

هنری تبدیل کردم، البته دوستان و نزدیکانم

با این کار خیلی مخالفت کردند که الان

جنگ و بمباران است و موقع گالری رفتن و

نقاشی خریدن نیست، اما من مصمم بودم

و به آنها گفتم کارم را بلدم، پدرم مجموعه‌دار

بوده و با همه نقاش‌ها آشناست، خودم هم

که هنر خوانده‌ام و دلم می خواهد گالری

داشته باشم.

گالری را با نمایش آثار سهراب سپهری

با تابلوهایی از مجموعه خود مان و

مجموعه‌دارهای دیگر پرپا کردم، در ابتدای

انقلاب مردم نمی دانستند که سهراب

سپهری نقاشی هم می‌کرده، بیشتر او

را با شعرهایش می شناختند تا نقاشی.

چون رادیو شعرهای سهراب سپهری را

دائم پخش می کرد و مردم کنجکاو بودند تا

نقاشی‌هایش را ببینند. من شب افتتاحیه

بیام نمی‌روم، از شلوغی محله دروس بند

آمده بود و جمعیت در داخل خیابان بودند و

نمی توانستند وارد گالری شوند و این شلوغی

دو هفته ادامه داشت. قرار بود نمایشگاه

بعدی از کارهای «نصرالله کسراآنیان» عزیز

باشد که چند تا کتاب منظره و ایران را

درآورد و معروف شده بود. اما از ارشاد به

من رنگ زدند که شما با چه مجوزی کار

می کنید، من گفتم از شهرداری اجازه گرفتم

که گفتند نه باید برای گالری از ما مجوز

بگیرید. من از این موضوع مطلع نبودم و

آنها گفتند اگر نمایشگاه دوم را افتتاح کنم،

گالری را رلیمب می کنند.

قصه مجوز گرفتن را خیلی جاها گفتم و

اینجا تعریف نمی کنم، قصه‌ای پر از اشک

چشم است. به هر حال مجوز را گرفتیم

و با دو هفته تأخیر نمایشگاه کسراآنیان را

برگزار کردیم آن هم خیلی شلوغ شد و

مورد استقبال قرار گرفت. قبل از اینکه

نمایشگاه سهراب سپهری را برگزار کنم یک

عکس: علی محمدی / ایران



لیلی گلستان در گفت‌وگو با «ایران»:

۳۵ سال با لذت گالری‌داری کردم

گفت‌وگو

سعیده احسانی‌راد

گروه فرهنگی

در پیچ‌وخم‌های سال‌های دهه ۶۰، زمانی که فضای فرهنگی ایران در تب‌وتاب تحولات اجتماعی و سیاسی بود، «لیلی گلستان» گام‌های مهمی در راه گسترش

هنرهای تجسمی نوین در ایران برداشت. زمانی که کشور در شرایط جنگی به سر می‌برد، او با ایجاد محیطی منحصربه‌فرد، هنرمندان نوظهور و خلاق را در کنار آثار برجسته‌تر کرده‌م آورد و بستری فراهم کرد که هنر معاصر ایران بتواند رشد کند و به جهان معرفی شود. تأثیر «لیلی گلستان» بر هنرهای تجسمی ایران، بویژه در شکل‌گیری بازار و فرهنگ گالری‌داری، غیرقابل انکار است. او نه تنها پل ارتباطی میان هنرمندان و مخاطبان بود بلکه به عنوان حامی و مشوق هنر معاصر، به رشد جریان‌های تازه و خلاقانه کمک کرد. این نگاه نوآورانه باعث شد

که هنر تجسمی ایران به مرزهای تازه‌ای دست یابد و در بستر جهانی مطرح شود. امروز که صحبت از هنر معاصر و فضای گالری‌داری می‌شود، نمی‌توان از نقش بی‌بدیل «لیلی گلستان» غافل شد؛ زنی از یک خانواده بنام هنری که با دیدی وسیع و عمیق، گالری‌داری را به مثابه یک پدیده فرهنگی و اجتماعی تعریف کرد و مسیر هنرمندان زیادی را در ایران و فراتر از آن هموار ساخت. گفت‌وگوی پیش رو فرصتی است برای شنیدن روایت او از روزهای آغازین، چالش‌ها و موفقیت‌هایش و فعالیت‌های آنلاین گالری گلستان بعد از بسته شدن.



نقاشی‌های عباس کیارستمی

وقت نامه نوشتیم چون قبلاً قانون این بود که باید عکس کارها را به ارشاد بفرستیم، در آن زمان سی‌دی نبود تا ارشاد تأیید و ممیزی کند، در نامه خواستیم این قانون را لغو کنند. برای مهاجراتی نوشتیم که به ما اعتماد کنند چون دانش هنرهای تجسمی را داریم چرا باید برای هر نمایشگاهی از ارشاد مجوز بگیریم، عطا-الله مهاجرانی به نامه جواب مثبت داد، در آن مدت برای نمایشگاه‌ها مجوز نمی گرفتیم و این معضل حل شد و عالی هم بود. بعد گالری‌های دیگری باز شدند و این کار رونق بیشتری گرفت و تعداد گالری‌ها در تهران به عدد ۱۲ رسید و خوش هم می‌گذشت، تعامل می‌کردم، باید چندوچون کار را به ایشان یاد می‌دادم. از سوی دیگر خریداران هم توقعاتی داشتند و مسائلی هم با آنها پیش می‌آمد، تلاش کردم این مسائل را هم حل کنم، همه چیز به خوبی گذشت، صبور بودم و چاره‌سازی کردم که بد نگذرد و خوش هم می‌گذشت، به زن و مرد بودن ربطی نداشت به عنوان گالری‌دار تحمل و صبوری کرده و ادامه دادم، ناامید نشدیم و کار را رها نکردیم.

دوران طلایی گالری گلستان چه زمانی بود؟

سرتاسر این ۳۵ سال واقعاً دوران طلایی بود و در تمام این سال‌ها کیف کردم، تلاشم این بود رفتارم طوری باشد که اعتماد هنرمند و خریدار را جلب کنم.

چه هنرمندان مشهوری در حوزه تجسمی در گالری گلستان نمایشگاه برپا کردند؟

آن زمان سی‌دی نبود و باید عکس کارها را می‌آوردند، پس نخواستم هزینه کنند و خودم برای دیدن کارها به خانه‌هایشان می‌رفتم، حتی تا کرج هم رفتم! هنرمندان معروف هم در گالری گلستان نمایشگاه داشتند مثل پروانه اعتمادی، عباس کیارستمی.

کیارستمی یک بار به من گفت کارهایم برای نمایشگاه در ابعاد ۲/۵× متر تراست و خیلی بزرگ هستند، توصیه کردم اینجا نمایشگاه نگذارد و خواستم کمکش کنم تا جایی را

چه‌شد که تصمیم به تعطیلی گالری گلستان گرفتید؟ آیا مسائل بعد از کرونا شما را مصمم به تعطیلی فعالیت‌های

فیزیکی گالری کرد؟

نه به خاطر مسائل بعد از کرونا نبود، مردم عجیب و غریب تماس می گرفتند، در واتس‌آپ پیام و در اینستاگرام دایرکت می‌دادند کی گالری را باز می‌کنید؟ همسایه‌ها و اهالی دروس مدام پیغام می‌فرستادند، «وقتی از کنار ساختمان سبزرنگ شما رد می‌شویم آه می‌کشیم که شما آنجا نیستید، رونق «دروس» به گالری شما بود.» همه لطف داشتند، حتی یک روز جناب سرهنکی که برای شلوغی نمایشگاه مسعود کیمیایی آمده بود به من رنگ زد و گفت گالری شما «نور دروس» بود گریه‌ام گرفت و پرسید دوباره گالری را باز می‌کنید؟ گفتم نه دیگر مرا حمتان نمی‌شویم.

اما از اینکه گالری را بستن ناراحت نیستی، نمایشگاه‌های آنلاین را دارم و خیلی راضی هستم. در اوج بستم و درستش همین بود. اصلاً حسرت بسته شدن گالری را نمی‌خورم. ۳۵ سال از کار لذت بردم و نام نیکي هم به جا گذاشتم؛ همین ما را بس است!...

آن گالری به‌صورت آنلاین فعالیت می‌کند. آ تجربه‌های موفق که در برپایی نمایشگاه‌های آنلاین داشتید، بگویید؟

بله، نمایشگاه‌های آنلاین را به صورت دائم داریم، قصه برپایی نمایشگاه آنلاین گالری

گلستان در کرونا بسیار جالب است. از بچه‌های زیر ۸ سال خواستم نقاشی بکشند با عنوان کرونا، نقاشی‌ها از طریق واتس‌آپ به دستم رسید و خیلی استقبال شد، چون بچه‌ها در آن دوران تعطیل بودند. از شهرداری تهران رنگ زدند که می‌خواهیم به شما در مسابقه نقاشی کرونا کمک کنیم، پرسیدم چه کمکی؟ گفتند جایزه‌ها را می‌دهیم، درباره نقاشی‌های برگزیده کتاب چاپ می‌کنیم و دیواری در شهر برای سه نقاشی اول که جایزه بردند اختصاص خواهیم داد، خیلی خوشحال شدم.

برای گفت‌وگو به قسمت فرهنگی و هنری شهرداری رفتم، آدم‌های فوق‌العاده‌ای بودند و واقعاً کمک کردند. جایزه داروان نیم‌سکه بود و جایزه بچه‌ها را هم دادند، کتاب بی‌نظیری را هم چاپ کردند. فقط دیواری که قرار بود نقاشی نفرات اول رویش کشیده شود به دلیل تغییر شهردار محقق نشد.

این اولین نمایشگاه آنلاین گالری گلستان بود و تشویقی شد تا برای نقاش‌ها نمایشگاه آنلاین برپا کنم. نمایشگاه‌های آنلاین از آنجا شروع شد، الان هفته‌ای یک‌بار نمایشگاه نقاشی داریم؛ از نقاش‌های مطرح و نقاشان جوان شهرستانی. کارهای‌شان هم خیلی خوب است، نمایشگاه‌های آنلاین پربازدید است و به‌طور دائم با مخاطبان در تماس هستیم.

هنرمندان چقدر از نمایشگاه آنلاین گالری گلستان استقبال می‌کنند؟

هنرمندان شهرستانی خیلی از نمایشگاه‌های آنلاین استقبال می‌کنند. خیلی راحت از نقاشی‌های‌شان عکس می‌فرستند و اگر کارشان فروش برود اصل کار را قالب کرده می‌فرستند. تا به حال هیچ مشکلی هم پیش نیامده و همه چیز به خوبی پیش رفته است. برایم خیلی جذاب است که کارها از روی عکس فروش می‌روند، این، بعد به اعتمادی که قبلاً گفتم برمی‌گردد. استقبال خیلی خوب است، در هفته بالایی ۲۰ هنرمند از اقصی نقاط ایران و تهران در ایمیل و واتس‌آپ نمونه کار می‌فرستند و هر هفته نمایشگاه جدید آنلاین داریم. نمایشگاه «صد اثر؛ صد هنرمند» به نمایشگاه دائمی تبدیل شده. از هنرمندان با مجموعه‌داران که می‌خواهند کارهای‌شان را بفروشند یکی دو نمونه کار در نمایشگاه «صد اثر؛ صد هنرمند» می‌گذاریم که آن هم خیلی مورد استقبال قرار گرفته است.

خانم گلستان به عنوان یک گالری‌دار باسابقه، الان وضعیت فعالیت گالری‌ها را در عرصه تجسمی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا دیگر گالری‌داری کار یا صرفه اقتصادی است یا نه؟

من جمعه‌ها سعی کنم حتماً سه چهار تا گالری برای دیدن آثار بروم و حسایی گالری‌گردی می‌کنم، چیزی



از عکس‌های مربوط به نشری نمایشگاه مسعود کیمیایی

که جذاب است شلوغی گالری‌هاست. تمام گالری‌هایی که می‌روم شلوغ است، مخاطبان گالری خصوصاً جوان‌ها زیاد هستند و با علاقه کارها را نگاه می‌کنند، اما از فروش آثار خبری ندارم و از گالری‌دارها هیچ وقت سؤال نمی‌کنم. اول وقت می‌روم و از نقطه‌های قرمزی که زیر تابلو می‌گذارند خبری ندارم، ترجیح می‌دهم قیمت‌ها ارزان باشد، کار به خانه مردم برود و آنها دست از خرید تابلوفرش برای نصب روی دیوارهای خانه بردارند و فرش فقط روی زمین باشد. اگر قیمت‌ها پایین باشد فروش بیشتر است، فروش بیشتر با قیمت کمتر. این درست است نه اینکه هر حد یکی دوتا اثر گران بفروشید. از هنرمندان و گالری‌دارها خواهش می‌کنم قیمت آثار را منطقی‌تر بگذارند. من این کار را کردم و خیرش را دیدم، این توصیه را از یک گالری‌دار باسابقه و باتجربه قدیمی داشته باشید و به کار بندید.

مسابقه نقاشی کرونا در گالری گلستان



از هنرمندان و گالری‌دارها خواهش می‌کنم قیمت آثار را منطقی‌تر بگذارند.

من این کار را کردم و خیرش را دیدم، این توصیه را از یک گالری‌دار باسابقه

و باتجربه قدیمی داشته باشید و به کار

بندید

در آن سال‌ها گالری‌داری یک شغل زنانه

محسوب نمی‌شد. از سختی‌هایی که در

این مسیر متحمل شدید، بگویید.

خیلی سختی کشیدم، این سختی‌ها یکی

دو تا نبود. در دوران ریاست جمهوری محمد

خاتمی به مهاجراتی وزیر فرهنگ و ارشاد